

در این نوشتار می‌کوشم به این پرسش‌ها پاسخ دهم: لوازم پذیرش عدالت و جمهوریت برای مناطق آزاد چیست؟ التزام به عدالت و جمهوریت چه ویژگی‌هایی را برای مناطق آزاد در دولت سیزدهم به ارمغان می‌آورد؟ به بیان دیگر، در دولت عدالت و جمهوریت، مناطق آزاد چگونه باید باشد؟

برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها، در گام نخست، به اختصار مفهوم مناطق آزاد را شرح می‌دهم. در گام دوم، پس از تبیین معنای عدالت و جمهوریت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان اندیشمندی مسلمان، می‌کوشم برخی از لوازم پذیرش این دو مفهوم برای مناطق آزاد را تبیین کنم. در واقع می‌توان گفت این نوشتار تأکیدی است بر ضرورت وجود پیوست عدالت برای مناطق آزاد تا از این رهگذر بتوان به الگویی بومی و سازگار با عدالت و جمهوریت دست یافت. آشکار است که این نوشتار قدمی کوتاه در مسیری بسیار بلند است و هدف اصلی از نگارش آن، توجه به چنین پرسش‌هایی برای خواننده فرهیخته است تا یافتن پاسخ‌های نهایی.

تعاریف منطقه آزاد در کشورهای گوناگون به شدت متفاوت است. شاید بتوان ویژگی مشترک همه این تعاریف را فقدان برخی محدودیت‌ها دانست که در سرزمین اصلی اعمال می‌شود؛ مانند تسهیل در قانون کار و قوانین مالی و بانکی. به طور کلی تفاوت بین مناطق آزاد و مناطق ویژه اقتصادی هم در همین قوانین است؛ برای مثال، در ایران فعالیت‌های بیمه‌ای در مناطق آزاد، مقررات ویژه‌ای دارد؛ اما در مناطق ویژه اقتصادی مانند سرزمین اصلی است. این تسهیلات در کشورهای گوناگون متفاوت است. بسته به اهداف گوناگون از ایجاد این مناطق، این تسهیلات شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد. بر همین اساس، شاید بتوان از اشتراک لفظی واژه مناطق آزاد در کشورهای گوناگون سخن گفت. این موضوع اهمیت و ضرورت یافتن الگویی بومی برای این مناطق را به خوبی و به روشنی آشکار می‌سازد.

چنان‌که می‌دانیم مداخله قوانین و دولت در منطقه آزاد نسبت به سرزمین اصلی به بهانه‌های گوناگون، مانند رونق تولید، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش خروج ارز و افزایش صادرات کمتر است؛ از این رو، برخی بر این باورند که منطقه آزاد ایده‌ای نولیبرال به حساب می‌آید.

در اینجا دو پرسش مهم شکل می‌گیرد؟ آیا ادعای نولیبرالیستی بودن ایده تشکیل مناطق آزاد درست است؟ با چه معیاری می‌توان این ادعا را سنجید و محک زد؟ به نظر می‌رسد برای هرگونه داوری و اظهار نظر درباره مناطق آزاد باید بدانیم این مفهوم، اعتباری و به تعبیری شاید دقیق‌تر، برساختی است.

به بیان دیگر، قرار نیست در پی بردن به حدود و ثغور این مفهوم ماهیتی را جست‌وجو کنیم؛ بلکه هرچه هست و نیست به اعتبار معتبر یا برساخت برساخت‌کننده وابسته است. در واقع، مفاهیمی مانند «منطقه آزاد»، اعتباری